

رابطه بلوغ عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده در بین دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر قم

رضا جعفری حردی*^۱ و سیده فاطمه رجایی موسوی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بلوغ عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده، در میان دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه اجرا شد و روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه شهر قم، در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ و در حدود ۴۹۸۰ نفر از دانش‌آموزان دختر بودند. ۳۵۷ دانشجوی دختر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین کلیه دانش‌آموزان دختر انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش، سه پرسشنامه جو عاطفی خانواده (هیا، برن، ۱۹۶۴)، حمایت اجتماعی ادراک شده زیمت و همکاران (۱۹۸۸) و مقیاس بلوغ عاطفی (سینک و بهارگاو، ۱۹۹۱) بودند. داده‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون گام به گام و آزمون T برای مقایسه میانگین دو گروه مستقل، تجزیه و تحلیل شدند. طبق یافته‌های به دست آمده: ۱. بین «بلوغ عاطفی»، «حمایت اجتماعی ادراک شده» و «جو عاطفی خانواده» همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($p < 0/01$)؛ ۲. حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده می‌توانند بلوغ عاطفی را پیش‌بینی کنند؛ ۳. تنها در متغیر «بلوغ عاطفی» تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان ناحیه ۱ و ۴ مشاهده شد، اما در متغیرهای دیگر، تفاوت معناداری بین این دو ناحیه وجود نداشت. نتایج کلی پژوهش نشان داد که درک حمایت و تعاملات مثبت بین والدین و فرزندان در رشد عاطفی بیشتر نوجوانان دختر تأثیر گذار است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود، به منظور ارتقاء رشد عاطفی و پیشگیری از مشکلات تحصیلی فرزندان، آموزش‌های مؤثری درباره برقراری روابط عاطفی مناسب و نحوه حمایت بیشتر از فرزندان به والدین آن‌ها داده شود.

کلیدواژه‌ها: بلوغ عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک شده، جو عاطفی خانواده، دانش‌آموزان دختر متوسطه، شهر قم

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران
rjafarih@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم، قم، ایران
DOI: 10.22051/jontoe.2019.20580.2235

https://jontoe.alzahra.ac.ir

مقدمه

رفتارهای عاطفی انسان، از همان ابتدای تولد در نوزاد مشاهده می‌شود. او به تدریج می‌آموزد، رفتارهای عاطفی خود را کنترل کرده و بدون اراده خویش، آن‌ها را بروز ندهد و آن را در حالت تعادل نگه دارد (نودین یزدی، ۱۳۹۰). یکی از عواملی که به کنترل رفتارهای عاطفی کمک کرده و موجب بهبود روابط افراد و کارآمدی آن می‌شود؛ بهره‌مندی از بلوغ عاطفی است. زیرا طبق مطالعات، دوره نوجوانی با شیوع بیشتر مشکلات رفتاری مانند افسردگی، اضطراب، بزهکاری، پرخاشگری همراه است (ایمانی، الخلیل و شکری، ۱۳۹۸) از سوی دیگر، زندگی روزانه تحصیلی نیز دانش‌آموزان را با فشارها و چالش‌های خاص این دوره مانند: نمرات نامطلوب، کاهش انگیزه، عملکرد و تعاملات مواجه می‌کند (شهبازیان خونیق، صمیمی و حبیبی کلپیر، ۱۳۹۷)، بنابراین، اگر افراد مهارت‌های ضروری را برای ایجاد و حفظ روابط نداشته باشند؛ ممکن است با مشکلات زیادی در زندگی مواجه شده و دچار آسیب‌ها و اختلالات روانی شوند. بلوغ در این زمینه افراد را در حل تعارض، کسب حمایت اجتماعی و سازگاری اجتماعی و مقابله با مشکلات یاری می‌رساند (رحیمی، ۱۳۸۷). بارزترین نشانه‌های بلوغ عاطفی در افراد، توانایی تحمل تنش و کنترل و بروز به موقع عواطف شخصی است. فردی که از نظر عاطفی به سطحی از رشد و بلوغ نرسیده نمی‌تواند زندگی مسالمت‌آمیزی با فرد دیگری داشته باشد. بنابراین، برخی افراد هرچند از نظر جسمی بالغ می‌شوند، ولی از نظر عاطفی هرگز به بلوغ نمی‌رسند. در جریان بلوغ عاطفی شخصیت فرد به طور دائمی، برای کسب سلامت عاطفی از لحاظ روانی و فردی می‌کوشد و چنین فردی قابلیت مقاومت در برابر تأخیر نیازها را دارد (پیست^۱، ۲۰۰۶). سینگ و بهار گاوا^۲ (۱۹۸۴) پنج معیار اصلی برای بلوغ عاطفی برمی‌شمارند که عبارت‌اند از: ناسازگاری اجتماعی، سرکوب عاطفی، بی‌ثباتی عاطفی، فروپاشی شخصیت و عدم استقلال. هرچه میزان برخورداری از این مؤلفه‌ها در فردی کمتر باشد بلوغ عاطفی او بیشتر خواهد بود. فردی که از رشد عاطفی بهره‌مند نیست، تنبل، گوشه‌گیر، لجوج و تندخو بوده و به رفتارهای ضداخلاقی مانند بدبینی و هراس‌گرایی بیشتری دارد.

1. Paste

2. Singh and Bhargava

حمایت اجتماعی یکی از عواملی است که به نظر می‌رسد با بلوغ عاطفی در ارتباط باشد. حمایت اجتماعی، به بهره‌مندی از مهربانی و محبت، همراهی، توجه دوستان، اعضای خانواده و سایر افراد تعریف شده است (سارافینو^۱، ۲۰۱۴) و در پژوهش‌های گوناگون، حمایت اجتماعی به دو صورت حمایت اجتماعی دریافت شده و ادراک شده مطالعه شده است. حمایت اجتماعی ادراک شده، حاصل ارزیابی‌های فرد از در دسترس بودن حمایت‌ها در مواقع مورد نیاز بوده (بروئر^۲، ۲۰۰۸) و به عنوان یک عامل تعدیل‌کننده و تأثیرگذار بر سازگاری و مقابله با شرایط پر تنش زندگی است (حسام، آسایش، قربانی، شریعتی و نصیری، ۱۳۹۰). هرچند پژوهشی یافت نشد که به‌طور مستقیم، رابطه بین حمایت اجتماعی و بلوغ عاطفی را بررسی کرده باشد؛ اما یافته‌های محققان، وجود ارتباط بین درک حمایت اجتماعی با مؤلفه‌های اثرگذار در بلوغ عاطفی از قبیل سازگاری اجتماعی، تحمل تنش و کاهش استرس‌های زندگی را تأیید کرده‌اند. نتایج پژوهش ایندیرا شانتی^۳ (۲۰۱۶) نشان داد، حمایت‌های درک شده دانشگاهی با سازگاری عاطفی و انگیزه یادگیری رابطه مثبت دارد. ملیسا^۴ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود اذعان کردند؛ افزایش حمایت اجتماعی با افزایش کیفیت زندگی و سلامت روان ارتباط دارد و فقدان حمایت خانواده فرد را در برابر آسیب‌های روانی و تنش‌ها (مرتبط با بلوغ عاطفی) آسیب‌پذیر می‌کند. اسویسکرت، هیتز و فاستر^۵ (۲۰۱۰) در پژوهش خود بیان کردند بین افزایش سطح روان رنجورخویی (از نشانگان عدم رشد عاطفی)، با کاهش درک حمایت اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش شاو^۶ و همکاران (۲۰۰۴) نشان داد که بین حمایت عاطفی دریافت شده از والدین در آغاز زندگی و سلامت رفتاری فرد در بزرگسالی همبستگی معنادار دیده می‌شود. کوهن^۷ (۲۰۰۴) هم در پژوهش خود بیان می‌کند که حمایت اجتماعی، برای افراد منابع روان‌شناختی و محسوسی فراهم می‌کند تا بتواند با مشکلات روزانه زندگی و شرایط استرس‌زای آن کنار بیاید. یافته‌های پژوهش نصیری و

1. Sarafino
2. Bruwer
3. Indira Shanti
4. Melissa
5. Swickert, Hittner and Foster
6. Show
7. Cohen

عبدالملکی (۱۳۹۵) نشان داد که کاهش استرس (از مؤلفه‌های مرتبط با رشد عاطفی) رابطه بین حمایت خانواده و کیفیت زندگی معطوف به سلامت روان را میانجیگری می‌کند. بنابراین، درک حمایت از سوی خانواده با استرس رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش عالی پور بیرگانی، سحافی و جلواری (۱۳۹۴) حاکی از آن است که ارتباط معناداری بین حمایت اجتماعی ادراک شده با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان (از نشانگان و مؤلفه‌های بلوغ عاطفی) وجود دارد. نتایج پژوهشی که بیرامی، موحدی و موحدی (۱۳۹۳) انجام دادند، نیز نشان داد بین نمرات افراد در حمایت اجتماعی ادراک شده و احساس تنهایی عاطفی و اجتماعی (از مؤلفه‌های بلوغ عاطفی) ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش قائدی و یعقوبی (۱۳۸۷) هم نشان داد که وجوه مختلف حمایت اجتماعی ادراک شده می‌توانند بالانس عاطفی (مرتبط با رشد عاطفی) و بهزیستی اجتماعی و روان‌شناختی را به‌ویژه در دختران پیش‌بینی کنند.

از متغیرهای دیگری که به نظر می‌رسد با بلوغ عاطفی مرتبط باشد؛ جو عاطفی خانواده و رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند است. خانواده به عنوان نخستین مکانی است که کودک در آن رشد می‌کند و نقش بسیار مؤثری در ارضای نیازهای روان‌شناختی دارد (نیک سیرت، خادمی و هاشمی، ۱۳۹۵). تعاملات مثبت والد- فرزند، بر اساس شرایط خانواده‌های مختلف کاملاً متفاوت بوده و آن چه از رشد سالم کودک حمایت می‌کند؛ مجموعه‌ای از الگوها و سبک‌های مراقبتی تعاملات و پاسخ‌های هیجانی است و والدین بر موفقیت‌های آینده کودک و رشد هیجانی - اجتماعی او تأثیر گذار هستند (کوک، روگمن و بويس، ۲۰۱۱). بامریند (۱۹۹۶) معتقد است والدین در خانواده‌هایی با گفت و شنود بالا، فرزندان با مهارت‌های اجتماعی بالاتر پرورش می‌دهند (صبری، البرزی و بهرامی، ۱۳۹۲) در خانواده‌هایی که والدین رفتار محبت‌آمیز دارند، کودکان با رفتارهای اخلاقی مثبت رشد یافته و اعتماد و محبت آن‌ها به او سبب می‌شود تا او هم دوست داشتن دیگران و مورد علاقه و توجه بودن را یاد بگیرد (محبی نورالدین وند، مشتاقی و شهبازی، ۱۳۹۰). هیل برن^۱ (۱۹۶۴) میزان جو عاطفی خانواده را براساس میزان مهرورزی در رابطه مادر- فرزند و رابطه پدر- فرزند در نظر می‌گیرد. و این رابطه عاطفی را متأثر از متغیرهای فرعی دیگر هم چون محبت،

1. Cook, Roggman and Boyce

2. Heillburn

نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، تشویق، اعتماد و احساس امنیت می‌داند (به نقل از موسوی شوشتری، ۱۳۷۶). پژوهش‌های گوناگون بر وجود ارتباط بین جو عاطفی خانواده (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند) و مؤلفه‌های مرتبط با بلوغ عاطفی تأکید دارند. در پژوهش یان، زهو و انصاری^۱ (۲۰۱۵) که پیرامون جو عاطفی گرم و مثبت کلاس درس در دانش‌آموزان انجام شد؛ نتایج نشان داد که بین نشانه‌های افسردگی مادران و عملکرد شناختی کودکان و مهارت‌های اجتماعی تحت تأثیر این نشانه‌ها ارتباط وجود دارد. کومار^۲ (۲۰۱۴) در پژوهش خود اذعان می‌دارد که میزان بلوغ عاطفی افراد با روابط خانوادگی آن‌ها ارتباط معناداری دارد. در پژوهشی که وایت، شلتون و الگار^۳ (۲۰۱۴) در میان ۱۶۰۰ نوجوان دختر انجام دادند، نتایج نشان داد که روابط خانوادگی منسجم، تأثیر زیادی بر سلامت روانی نوجوانان از جمله کاهش اضطراب و افسردگی (از مؤلفه‌های مرتبط با بلوغ عاطفی) دارد. نتایج پژوهش اسپسیگو و دل آگیو^۴ (۲۰۱۲) نشان داد که روابط و پشتیبانی خانواده، باعث بهبود سازش‌یافتگی روانی فرزندان، خود ارزشمندی و خودکارآمدی (از نشانگان مرتبط با بلوغ عاطفی) آن‌ها می‌شود. یافته‌های پژوهش ریوز و تیلور^۵ (۲۰۰۷) نشان داد که عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان توسط والدین و برخورد نامناسب آن‌ها باعث به وجود آمدن طرحواره‌های ناسازگار اولیه در کودکان می‌شود که می‌تواند با اختلال‌هایی مانند جامعه‌ستیزی و انزوای اجتماعی (از مؤلفه‌های بلوغ عاطفی) ارتباط داشته باشد. ملیسا و دروتی^۶ (۲۰۰۵) هم در پژوهش خود بیان کرده‌اند که بیشترین عوامل بروز حالت‌های روان‌شناختی مانند استرس و سوء مصرف مواد به شیوه زندگی خانوادگی افراد مربوط می‌شود. نمازی و سهرابی شگفتی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود اظهار داشتند که بین الگوهای ارتباطی و نحوه ارتباطات خانواده و سازگاری دانش‌آموزان (از مؤلفه‌های بلوغ عاطفی) رابطه معناداری وجود دارد. عیسی‌نژاد و ستوده‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان دادند که نوع عملکرد خانواده، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای گرایش نوجوانان به بزهکاری (از مؤلفه‌های مرتبط با بلوغ عاطفی) است. یافته‌های

1. Yan, Zhou and Ansari
2. Kumar
3. White, Shelton and Elgar
4. Sbicigo and Dell'Aglio
5. reves and Taylor
6. Melissa and Dorothy

پژوهش خانزاده و میرزایی (۱۳۹۶) نیز بیان کرد تعامل والد-فرزند می‌تواند میزان ارزش و حرمتی را که فرزندان برای خود قائل هستند، به‌طور معناداری پیش‌بینی کند. نتایج پژوهش رهاوردی و باقیانی مقدم (۱۳۹۴) نشان داد که بین کارکرد اجتماعی از مؤلفه‌های سلامت و نشانگان بلوغ عاطفی با جو عاطفی خانواده رابطه معنادار وجود دارد. سلیمی (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که بین میزان بلوغ عاطفی فرزندان و سبک تربیتی والدین ارتباط معناداری وجود دارد و بالاترین سطح بلوغ عاطفی مرتبط با دخترانی است که والدین، به ویژه مادر خود را کنترل کم و مراقبت زیاد، گزارش داده بودند. نجارپور استادی، خدیوی (۱۳۸۷) هم در پژوهش خود اذعان کردند که افرادی که دارای جو عاطفی مثبت‌تری در زندگی بودند خودپنداره مثبت‌تری هم داشتند. کوتی رجبی و سودانی (۱۳۸۶) در پژوهشی نشان دادند که بین جو عاطفی خانواده و سلامت عمومی در دانش‌آموزان دختر رابطه معناداری وجود دارد.

بنابراین، باتوجه نقش والدین به عنوان اولین مراقبان و نخستین الگوهای تربیتی کودک و تأثیر بسیار مؤثر درک حمایت از سوی خانواده، دوستان و جامعه بر ابعاد مختلف زندگی از جمله دستیابی به رشد و بلوغ عاطفی و باتوجه به پیامدهای نامطلوب عدم دستیابی به رشد عاطفی مانند استرس، گرایش به بزهکاری و پرخاشگری و بروز مشکلات در روابط عاطفی در زندگی فردی و زناشویی و به دلیل خلأ پژوهش در این زمینه پژوهشی و بررسی کمتر نمونه دختران در مقطع دبیرستان در شهر قم، پژوهش حاضر درصدد بررسی این فرضیه‌ها بود که؛

- ۱- بین بلوغ عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده (رابطه عاطفی مادر-فرزند و رابطه عاطفی پدر-فرزند) رابطه معناداری وجود دارد؛
- ۲- حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن (رابطه عاطفی مادر-فرزند و رابطه عاطفی پدر-فرزند) توانایی پیش‌بینی بلوغ عاطفی در دانش‌آموزان دختر را دارند؛
- ۳- بین نمرات بلوغ عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن (رابطه عاطفی مادر-فرزند و رابطه عاطفی پدر-فرزند) به تفکیک نواحی آموزشی، تفاوت معناداری وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر سال سوم متوسطه شهر قم، در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ و به تعداد ۴۹۸۰ نفر بودند. با توجه به حجم جامعه آماری دختران سال سوم متوسطه دوم و مراجعه به جدول مورگان ۳۵۷ نفر از دانش آموزان دختر سال سوم متوسطه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری بدین صورت بود که ابتدا مجوزهای لازم از آموزش و پرورش کل استان قم گرفته شد و پس از اخذ مجوز، و دریافت آمار کل دانش آموزان دختر سال سوم متوسطه دوم، ابتدا شهر قم به چهار ناحیه تقسیم شد و از بین نواحی آموزش و پرورش استان قم به شکل تصادفی، دو ناحیه انتخاب شده و سپس از بین مدارس متوسطه موجود در هر ناحیه، ۳ مدرسه به تصادف انتخاب شدند و در مرحله بعد از هر مدرسه و از هر سه رشته ریاضی فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی در پایه سوم متوسطه یک کلاس انتخاب شد که دانش آموزان به پرسشنامه‌های جو عاطفی خانواده هیل برن (۱۹۶۴)، مقیاس بلوغ عاطفی سینگ و بهارگاوا (۱۹۹۱) و پرسشنامه زیمت^۱ و همکاران (۱۹۸۸) پاسخ دادند. پس از آن داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. در تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون گام به گام و آزمون T برای مقایسه میانگین دو گروه مستقل استفاده شد.

مقیاس بلوغ عاطفی سینگ و بهارگاوا (EMS): این مقیاس ۴۸ سؤال دارد و یاشویر سینگ و ماهیش بهار گاوا در سال (۱۹۹۱) آن را تدوین کرده‌اند. هدف آن بررسی ابعاد مختلف بلوغ عاطفی (عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، فروپاشی شخصیت، سازگاری اجتماعی و فقدان استقلال) است. جمع کل نمرات به عنوان نمره بلوغ عاطفی آزمودنی در نظر گرفته می‌شود. به این صورت که هرچه این نمرات پایین‌تر باشد، بلوغ عاطفی فرد بالاتر خواهد بود. نحوه نمره‌گذاری گزینه‌های این پرسشنامه عبارت است از: هرگز نمره «۱»، احتمالاً «۲»، نامشخص «۳»، زیاد «۴»، خیلی زیاد «۵». تفسیر نمرات بر اساس ثبات بلوغ عاطفی به این ترتیب است: نمره ۵۰-۸۰، بسیار ثبات، ۸۱-۸۸ نسبتاً با ثبات، ۸۹-۱۰۶ بی‌ثبات، ۱۰۷-۱۴۰

بسیار بی‌ثبات. روایی این مقیاس در برابر معیارهای بیرونی یعنی پرسشنامه سازگاری حوزه «گها»، برای دانشجویان کالج توسط سینه‌ها و سینگ تعیین شده است. پرسشنامه حوزه «گها»، سازگاری عاطفی دانشجویان کالج را اندازه می‌گیرد و تعداد سؤال‌های این حوزه ۲۱ مورد است. همبستگی گشتاوری حاصل بین کل نمرات در ۲۱ سؤال حوزه گها و کل نمرات در مقیاس بلوغ عاطفی ۰/۶۴ گزارش شده است (سراج خرمی و صفرزاده، ۱۳۹۱). پایایی مقیاس توسط آزمون بازآزمون بر روی دانشجویان اندازه‌گیری شد که دختران و پسران ۲۴-۲۰ ساله را شامل می‌شد. فاصله زمانی بین این دو آزمون ۶ ماه بود و همبستگی گشتاوری بین این دو اجرا ۰/۷۵ بود (ایمانی و محب، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر، میزان پایایی کل این ابزار براساس آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

مقیاس جو عاطفی خانواده: این مقیاس را هیل یرن (۱۹۶۴) به نقل از موسوی شوشتری، (۱۳۷۶) به منظور سنجش میزان مهرورزی در ارتباطات فرزند-والدین ساخته است. ۱۶ گویه دارد و ۸ خرده مقیاس را هم در بر می‌گیرد که عبارت‌اند از: محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه‌دادن، تشویق، اعتماد و احساس امنیت. نحوه نمره‌گذاری براساس طیف لیکرت و از ۱-۵ متغیر بود؛ خیلی کم، نمره «۱»، کم «۲»، در حد متوسط «۳»، زیاد «۴» و خیلی زیاد «۵» تعلق گرفت. در تحقیق کوتی و همکارانش (۱۳۸۶) برای تعیین روایی همزمان این مقیاس از پرسشنامه ملاکی (Afc) استفاده شده است که ضریب روایی پرسشنامه ۶۷ درصد به دست آمده؛ در پژوهش عسگری، صفرزاده و قاسمی مفرد (۱۳۹۰) برای بررسی همسانی درونی این مقیاس از روش‌های آلفای کرونباخ، تنصیف و گاتمن استفاده شد که به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۷ و ۰/۷۷ به دست آمد که نشان دهنده پایایی قابل قبول این مقیاس است. در پژوهش حاضر، میزان پایایی کل این ابزار براساس آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد.

مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده (MSPSS): این پرسشنامه را زیمت و همکاران (۱۹۸۸) به منظور سنجش حمایت اجتماعی ادراک شده تهیه کرده‌اند. این مقیاس ۱۲ گویه دارد. همه ماده‌های این مقیاس، بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق، موافق، نظری ندارم، مخالف و کاملاً مخالف) درجه‌بندی شده است. دامنه نمرات این مقیاس ۱۲ - ۶۰ است.

براور و همکارانش در سال ۲۰۰۸، پایایی درونی این ابزار را در یک نمونه ۷۸۸ نفری از

جوانان دبیرستان ۸۶ درصد برای کل ابزار گزارش کرده‌اند. پایایی ابزار فوق در تحقیق حاضر، براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد.

یافته‌ها

در این بخش به ترتیب فرضیه‌های پژوهش بررسی می‌شود.

۱- بین بلوغ عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده (رابطه عاطفی مادر-فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند) همبستگی معناداری وجود دارد؟
جدول (۱) نتایج آمار توصیفی و ضرایب همبستگی بین (بلوغ عاطفی، جو عاطفی خانواده (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند) و حمایت اجتماعی ادراک شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱: ضرایب همبستگی پیرسون برای تعیین ارتباط میان متغیرهای پژوهش

متغیرها	آماره‌های توصیفی		ضرایب همبستگی			
	انحراف معیار	میانگین	۱	۲	۳	۴
۱. بلوغ عاطفی	۲۵/۲۸	۱۱۱/۱۹	۱/۰۰			
۲. جو عاطفی خانواده	۱۲/۰۱	۶۰/۶۹	-۰/۳۴۳**	۱/۰۰		
۳. رابطه عاطفی مادر-فرزند	۶/۳۷	۳۱/۱۹	-۰/۳۳۰**	۰/۸۷۷**	۱/۰۰	
۴. رابطه عاطفی - پدر- فرزند	۷/۱۲	۲۹/۵۰	-۰/۲۸۳**	۰/۹۰۳**	۰/۵۸۴**	۱/۰۰
۵. حمایت اجتماعی ادراک شده	۸/۵۳	۴۴/۹۵	-۰/۲۸۴**	۰/۵۳۹**	۰/۵۳۳**	۰/۴۳۰**

براساس نتایج مندرج در جدول ۱، میان عدم رشد و ثبات عاطفی و جو عاطفی خانواده به صورت کلی و تمام مؤلفه‌های آن شامل رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند

همبستگی معنادار ($p < 0/01$) مشاهده می‌شود. یعنی با بهبود جو عاطفی خانواده، رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند، بلوغ عاطفی فرزندان افزایش خواهد یافت. هم چنین نتایج حاکی از آن است که بین عدم ثبات و بلوغ عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک شده، همبستگی معکوس و معنادار ($p < 0/01$) وجود دارد. بدین معنا که هرچه درک حمایت اجتماعی توسط فرد بیشتر باشد، از بلوغ عاطفی بیشتری برخوردار خواهد بود. علاوه بر آن بین جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند) با حمایت اجتماعی ادراک شده، رابطه و همبستگی مثبت و معنادار ($p < 0/01$) وجود دارد. بنابراین، با بهبود جو عاطفی خانواده، درک حمایت اجتماعی در فرزندان بیشتر می‌شود. علاوه بر آن بین متغیرهای پژوهش یعنی حمایت‌های اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند) همبستگی مثبت و معناداری در سطح ($p < 0/01$) به دست آمد. بنابراین، هرچه جو خانواده عاطفی تر باشد، حمایت اجتماعی درک شده از سوی فرزندان بیشتر خواهد بود.

۲- حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند) توانایی پیش‌بینی بلوغ عاطفی در دانش‌آموزان دختر را دارند.

برای پیش‌بینی بلوغ عاطفی از روی حمایت اجتماعی درک شده و جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن، پیش‌فرض‌های آزمون رگرسیون بررسی شد و پس از تأیید عدم مشکل در جهت انجام آزمون رگرسیون، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد.

جدول ۲: خلاصه مدل و تحلیل رگرسیون پیش‌بینی بلوغ عاطفی از روی حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده

مدل	ضریب همبستگی	ضریب	ضریب تعیین	ضریب دوربین -	F	سطح
	چندگانه	تعیین	تعدیل شده	واتسون		معناداری
۱	۰/۳۶۲	۰/۱۳۱	۰/۱۲۶	۱/۹۰۲	۲۶/۳۱۱	<۰/۰۰۰۵

طبق نتایج جدول ۲، ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۳۶۲ و ضریب تعیین برابر ۰/۱۳۱ است. به عبارتی، ۱۳/۱ درصد از واریانس بلوغ عاطفی از طریق حمایت اجتماعی ادراک شده و

جو عاطفی خانواده پیش‌بینی می‌شود. همچنین مدل استفاده شده در پیش‌بینی بلوغ عاطفی معنادار است و متغیرهای پیش‌بین قادرند ۱۳/۱ درصد از متغیر ملاک را تبیین کنند ($p < 0/0005$, $R^2 = 0/131$, $F(2, 354) = 26/311$).

جدول ۳: خلاصه مدل و تحلیل رگرسیون پیش‌بینی بلوغ عاطفی از روی مؤلفه‌های جو عاطفی خانواده (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند)

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین	ضریب دوربین -	F	سطح معناداری
۱	۰/۳۴۸	۰/۱۲۱	۰/۱۱۶	۲/۰۵	۲۴/۴۳۸	< ۰/۰۰۰۵

طبق نتایج جدول ۲، ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۳۴۸ و ضریب تعیین برابر ۰/۱۲۱ است. به عبارتی، ۱۲/۱ درصد از واریانس بلوغ عاطفی از طریق جو عاطفی خانواده (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند) پیش‌بینی می‌شود. همچنین مدل استفاده شده در پیش‌بینی بلوغ عاطفی معنادار است و متغیرهای پیش‌بین قادرند ۱۲/۱ درصد از متغیر ملاک را تبیین کنند ($p < 0/0005$, $R^2 = 0/121$, $F(2, 354) = 24/438$). در جدول ۴، ضرایب و نسبت‌های تحلیل رگرسیون ارائه شده است.

جدول ۴: ضرایب رگرسیون مربوط به پیش‌بینی بلوغ عاطفی از روی حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند)

متغیر	خطای استاندارد	B	β	T	سطح معناداری	ضریب همبستگی نیمه تفکیکی
مقدار ثابت	۱۰/۰۹	۱۷۱/۷۵	-	۱۷/۰۱	< ۰/۰۰۰۵	-
حمایت اجتماعی ادراک شده	۰/۱۷۶	-۰/۴۱۵	-۰/۱۴۰	-۲/۳۶۰	۰/۰۱۹	-۰/۱۱۸
جو عاطفی خانواده	۰/۱۰۶	-۰/۶۷۸	-۰/۳۲۲	-۶/۳۷۵	۰/۰۰۱	-۰/۳۱۶
رابطه عاطفی مادر- فرزند	۰/۱۲۵	-۰/۵۶۲	-۰/۲۶۷	-۴/۵۰۶	۰/۰۰۱	-۰/۲۲۵
رابطه عاطفی پدر- فرزند	۰/۱۹۹	-۰/۶۱۷	-۰/۱۴۲	-۲/۲۳۸	۰/۰۲۷	-۰/۱۱۷

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۴ مقدار بتا برای جوّ عاطفی خانواده (۰/۳۲۲-) از متغیر حمایت اجتماعی ادراک شده (۰/۱۴۰-) بیشتر بوده، که نشان‌دهنده سهم قوی‌تر و بیشتر متغیر جوّ عاطفی خانواده در پیش‌بینی متغیر ملاک است. به علاوه از بین مؤلفه‌های جوّ عاطفی خانواده (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند) متغیر رابطه عاطفی مادر- فرزند (۰/۲۶۷-) در تبیین و پیش‌بینی متغیر ملاک (بلوغ عاطفی) نسبت به متغیر رابطه عاطفی پدر- فرزند (۰/۱۴۲-) سهم قوی‌تر و بیشتری را دارد. در ضمن ضریب همبستگی نیمه تفکیکی نشان می‌دهد، هر متغیر چه مقدار از واریانس کلی در متغیر ملاک را پیش‌بینی می‌کند. در این پژوهش متغیر حمایت اجتماعی ادراک شده به تنهایی (۱۳/۹) درصد و متغیر جوّ عاطفی خانواده به تنهایی ۹/۹ درصد از واریانس متغیر ملاک را پیش‌بینی کرده است. از بین مؤلفه‌های جوّ عاطفی خانواده، رابطه عاطفی مادر- فرزند به تنهایی (۵/۰۶) و مؤلفه رابطه عاطفی پدر- فرزند به تنهایی (۱/۳۷) درصد از واریانس متغیر بلوغ عاطفی را پیش‌بینی می‌کند که متغیر حمایت اجتماعی ادراک شده سهم بیشتری را در تبیین واریانس متغیر ملاک نسبت به سایر متغیرها دارد.

۳- بین نمرات بلوغ عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک شده و جوّ عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند) به تفکیک نواحی تفاوت معناداری وجود دارد؟

با توجه به اینکه متغیر ناحیه دو ارزشی است، از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه یا T مستقل استفاده شد.

جدول ۵: فراوانی، میانگین و انحراف معیار سؤال‌ها به تفکیک ناحیه‌ها

سؤال	ناحیه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
۱/ بلوغ عاطفی	۱	۱۴۲	۱۱۵/۸۸۰	۲۸/۳۶۱
	۴	۲۱۵	۱۰۹/۴۲۷	۲۲/۷۲۸
۲/ جوّ عاطفی خانواده	۱	۱۴۲	۶۰/۰۳۵	۱۳/۱۱۲
	۴	۲۱۵	۶۱/۱۲۵	۱۱/۲۴۵
۳/ رابطه عاطفی مادر-فرزند	۱	۱۴۲	۳۰/۶۶۹	۶/۷۵۳
	۴	۲۱۵	۳۱/۵۳۴	۶/۱۰۰

۷/۴۸۸	۲۹/۳۶۶	۱۴۲	۱	۴/رابطه عاطفی پدر-فرزند
۶/۸۸۶	۲۹/۵۹۰	۲۱۵	۴	
۸/۱۰۴	۴۵/۰۷۹	۱۴۲	۱	۵/ حمایت اجتماعی ادراک شده
۸/۸۲۵	۴۴/۸۶	۲۱۵	۴	

نتایج جدول بالا، فراوانی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را به تفکیک ناحیه مشخص کرده است.

جدول ۶: نتایج آزمون T مستقل برای ناحیه

متغیر آزمون	آزمون لوین		آزمون t (تساوی میانگین‌ها)	
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی
۱/بلوغ عاطفی	۱۲/۵۱۵	۰/۰۰۰	۲/۳۷۶	۳۵۵
۲/ جو عاطفی خانواده	۷/۱۵۲	۰/۰۰۸	-۰/۸۳۹	۳۵۵
۳/ رابطه عاطفی مادر-فرزند	۳/۰۰۲	۰/۰۸۴	-۱/۲۵۷	۳۵۵
۴/ رابطه عاطفی پدر-فرزند	۳/۳۴۵	۰/۰۶۸	-۰/۲۹۱	۳۵۵
۵/ حمایت اجتماعی ادراک شده	۰/۳۳۹	۰/۵۶۱	۰/۲۲۶	۳۵۵

جدول بالا نتایج دو آزمون را نشان می‌دهد. در یک قسمت تساوی واریانس‌ها به کمک آزمون لوین ارائه می‌شود. و در قسمت دوم جدول تساوی میانگین‌ها به کمک آزمون T ارائه می‌شود.

مطابق نتایج جدول بالا، در تمام متغیرها به جز بلوغ عاطفی و جو عاطفی خانواده، فرض تساوی واریانس‌ها برقرار است. زیرا مقدار سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است و در نتیجه می‌توان گفت واریانس‌ها برابر هستند. لذا اطلاعات آزمون با فرض برابری واریانس‌ها نوشته شده است. در عین حال در متغیر بلوغ عاطفی و جو عاطفی خانواده، فرض تساوی واریانس‌ها

برقرار نیست. زیرا مقدار سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و در نتیجه واریانس‌ها برابر نیستند و لذا اطلاعات آزمون با فرض برابر بودن واریانس‌ها نوشته شده است. هم‌چنین مطابق نتایج جدول بالا، در تمام متغیرها به جز بلوغ عاطفی، اختلاف مشاهده شده بین میانگین پاسخگویان ناحیه ۱ با ناحیه ۴ معنادار نیست. زیرا مقدار سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، مقدار متغیر بلوغ عاطفی به تفکیک ناحیه متفاوت و مقدار متغیرهای دیگر پژوهش (جو عاطفی خانواده، رابطه عاطفی مادر- فرزند، رابطه عاطفی پدر- فرزند و حمایت اجتماعی ادراک شده) به تفکیک ناحیه یکسان است.

بحث و نتیجه‌گیری

بسیاری از اختلالات عاطفی مانند اضطراب، افسردگی و ناسازگاری زناشویی از آن‌جا نشأت می‌گیرد که افراد به‌طور کامل به رشد عاطفی دست نیافته‌اند. بنابراین، در مواجهه با مسائل روزمره زندگی، احساس ناتوانی و عدم کنترل می‌کنند (نودین یزدی، ۱۳۹۰). بنابراین، بررسی عوامل تأثیرگذار و مرتبط با بلوغ عاطفی از اهمیت بسیاری برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه بین بلوغ عاطفی، جو عاطفی خانواده و حمایت اجتماعی ادراک شده در بین دانش‌آموزان دختر در دوره دوم متوسطه انجام شد. نتایج پژوهش، بیان‌کننده آن است که بین حمایت اجتماعی ادراک شده و بلوغ عاطفی دختران دوره دوم متوسطه همبستگی معناداری وجود دارد. به این معنا که درک حمایت اجتماعی بیشتر، با میزان رشدیافتگی بیشتر عاطفی در دختران در ارتباط است. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های دیگر مانند یافته‌های ایندیرا شانتی (۲۰۱۶)، ملیسا و همکاران (۲۰۱۵)، اسویسکرت، هیتز و فاستر (۲۰۱۰)، شاو و همکاران (۲۰۰۴)، کوهن (۲۰۰۴)، نصیری و عبدالملکی (۱۳۹۵) عالی پور بیرگانی، سحافی و جلوداری (۱۳۹۴)، بیرامی، موحدی و موحدی (۱۳۹۳) و قانندی و یعقوبی (۱۳۸۷) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد با توجه به اینکه در حمایت اجتماعی ادراک شده، فرد حمایت و مهربانی و توجه لازم را از سوی خانواده، جامعه و دوستان درک می‌کند (سارافینو، ۲۰۱۴). و از نظر عاطفی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و این موضوع سبب می‌شود تا هنگام مواجهه با آسیب‌ها و مشکلات زندگی کمتر به سمت مؤلفه‌های ناشی از عدم رشد عاطفی مانند پرخاشگری، بزهکاری، افسردگی و مصرف مواد و... گرایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر

حمایت اجتماعی در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی ناشی از عدم رشد عاطفی، نقش بازدارندگی ایفا می‌کند، زیرا بستری مناسب برای کنترل اجتماعی و اعمال نظارت غیر رسمی فراهم می‌کند و میزان حمایتی که فرد از سوی دیگران دریافت می‌کند به تقویت پیوند فرد و جامعه منجر شده که این موضوع در کاهش انحراف فرد مؤثر خواهد بود (دلپسند، ایار، خانی و محمدی، ۱۳۹۱). به علاوه درک حمایت اجتماعی دیگران، نیازمند این است که فرد به دیگران اعتماد داشته و بداند در مواقع نیاز مورد حمایت آن‌ها خواهد بود (بروئر، ۲۰۰۸)، که این احساس اعتماد، خود بیان‌کننده ثبات و رشد عاطفی بالا است. هم چنین، ماندن در یک روابط حمایتی، با کاهش درگیری احتمالی با افراد افزایش‌دهنده خشونت همراه است، زیرا انجام رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز (از مؤلفه‌های مرتبط با رشد عاطفی)، خطر از دست دادن حمایت ارزشمند دیگران را به دنبال دارد. بنابراین، حمایت اجتماعی، باعث می‌شود که فرد از سویی احساس توجه عاطفی بیشتری از سوی خانواده و جامعه کرده و پیوند فرد با جامعه تقویت شود و این موضوع سبب می‌شود که از رفتارهای ناشی از عدم رشد عاطفی مانند پرخاشگری و ناسازگاری به خاطر از دست دادن حمایت ارزشمند دیگران دوری کند.

یافته دیگر این پژوهش نشان می‌دهد، بین جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند) با عدم ثبات و رشد عاطفی، رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر هرچه جو عاطفی خانواده و رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند، در خانواده‌ای مناسب‌تر باشد، میزان دست‌یابی فرزندان به بلوغ عاطفی بیشتر خواهد بود. این یافته با نتایج برخی از مطالعات گذشته از جمله یافته‌های یان، زهو و انصاری (۲۰۱۵)، کومار (۲۰۱۴)، وایت، شلتون و الکار (۲۰۱۴)، پژوهش اسپسیگو و دل آلگیو (۲۰۱۲)، ریوز و تیلور (۲۰۰۷)، ملیسا و دروتی (۲۰۰۵)، نمازی و سهرابی شگفتی (۱۳۹۷)، عیسی نژاد و ستوده‌زاده (۱۳۹۶)، خانزاده و میرزایی (۱۳۹۶)، رهاوردی و باقیانی مقدم (۱۳۹۴)، سلیمی (۱۳۸۸)، نجارپور استادی و خدیوی (۱۳۸۷)، کوتی رجبی و سودانی (۱۳۸۶) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد بر طبق نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا (۱۹۹۴)، با وجود یادگیری افراد از تجربه مستقیم، بیشترین میزان یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران کسب می‌شود و عنصر اصلی یادگیری مشاهده‌ای سرمشق‌گیری است. از طرف دیگر چون فرزندان بیشترین وقت خود را در خانواده می‌گذرانند، از بسیاری از رفتارهای

والدین، سرمشق و الگو می‌گیرند (زالی‌زاده، باقری و ملتفت ۱۳۹۷) بخشی از شواهد مربوط به نظریه یادگیری اجتماعی نیز نشان می‌دهد، پرخاشگری (از مؤلفه‌های مرتبط با عدم رشد عاطفی) می‌تواند مانند بسیاری از رفتارها از طریق تقلید آموخته شود، نتایج برخی بررسی‌ها نشان داد، مشاهده سرمشق‌های پرخاشگری زنده یا فیلمبرداری شده، احتمال پرخاشگری را در بیننده افزایش می‌دهد و این یکی از علل پرخاشگری کودکانی است که والدینشان، آن‌ها را به شدت تنبیه می‌کنند (اتکینسون، اتکینسون، اسمیت، بم و هوگسما، ۱۳۹۷) بنابراین، نبود رابطه مثبت بین والدین و فرزندان و رفتار سرد و پرخاشگرانه آن‌ها نسبت به فرزندان باعث شکل‌گیری یادگیری این رفتار در فرزندان می‌شود و فرزندان آن والدین نیز معمولاً در مواجهه با مشکلات و فشارهای زندگی به جای انجام دادن رفتارهای رشدیافته مانند استفاده از گفت و گوی منطقی و صمیمی با دیگران، به استفاده از رفتارهای مخرب و پرخاشگرانه حاکی از عدم رشد عاطفی اقدام خواهند کرد. علاوه بر این موضوع، آلبرت بندورا معتقد بود که پسرانی که از پدران خود کتک می‌خورند و رابطه عاطفی مناسبی با والد خود ندارند، در انجام هر عملی به جای آنکه رفتار عاطفی بالغی داشته و به‌طور مستقل و بر اساس احساس درونی خود نسبت به درستی یا نادرستی آن عمل تصمیم بگیرند، بیشتر احتمال به دام افتادن را محاسبه می‌کنند (اتکینسون و همکاران ۱۳۹۷). به عبارت دیگر چون والدین و مخصوصاً مادران، اولین افرادی هستند که ارتباط با کودک را آغاز کرده و هم به میزان زیادی با کودک تعامل دارند؛ کودک از نحوه ارتباط عاطفی آن‌ها، شیوه ایجاد ارتباط عاطفی با دیگران را یاد گرفته و احساس ارزشمندی می‌کند و این موضوع، در بلوغ عاطفی او تأثیرگذار خواهد بود. محبی نورالدین‌وند، مشتاقی، شهبازی (۱۳۹۰) هم در پژوهش خود به این مطلب اذعان می‌کنند که اگر والدین به کودک محبت کرده و به او اعتماد کنند؛ او نیز دوست داشتن دیگران را یاد می‌گیرد که این موضوع بلوغ عاطفی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به علاوه بین جو عاطفی خانواده و حمایت اجتماعی ادراک شده هم رابطه مثبت و معنادار پیدا شد که این مطلب با یافته پژوهش سالاری (۱۳۹۴) پیرامون ارتباط مثبت معنادار بین خانواده منسجم و حمایت اجتماعی ادراک شده، همسو است. بسیار روشن است که وقتی فرد ارتباط مثبتی با والدین خود داشته باشد، حداقل از ناحیه آن‌ها احساس حمایت خواهد کرد و هنگام نیاز به کمک دید مثبت‌تری به اطرافیان خود خواهد داشت.

یافته دیگر این پژوهش بیان‌کننده آن است که حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده نقش معناداری در پیش‌بینی بلوغ عاطفی دارند. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، پژوهش‌های مختلف ارتباط میان حمایت اجتماعی ادراک شده و بلوغ عاطفی را تأیید کرده‌اند. از جمله (این‌دیرا شانتی (۲۰۱۶)، ملیسا و همکاران (۲۰۱۵)، اسویسکرت، هیتز و فاستر (۲۰۱۰)، نصیری و عبدالملکی (۱۳۹۵) عالی پور بیرگانی و همکاران (۱۳۹۴) و ...). در تبیین این یافته باید بگوییم علاوه بر درک احساس توجه و محبت در حمایت اجتماعی ادراک شده که سبب عدم گرایش به مسائل ناشی از مشکلات عاطفی مانند پرخاشگری، بزهکاری، افسردگی و ... می‌شود، باید بگوییم این حمایت‌ها محیطی را فراهم می‌کند تا فرد بتواند کنترل بهتری بر عواطف و هیجانات خود داشته باشد و در نتیجه سازگاری اجتماعی بهتری (از مؤلفه‌های بلوغ عاطفی) را تجربه کند و در نتیجه این موضوع دست‌یابی به رشد عاطفی بیشتر را آسان‌تر می‌کند. حاتمیان و کرمی (۱۳۹۷) هم در پژوهش خود نشان دادند که بین حمایت اجتماعی ادراک شده با گرایش مصرف مواد روان‌گردان (از مؤلفه‌های مرتبط با بلوغ عاطفی) ارتباط معناداری وجود دارد.

یکی از متغیرهای دیگری که به نظر می‌رسد می‌تواند پیش‌بینی‌کننده بلوغ عاطفی در فرزندان باشد، رابطه عاطفی والد- فرزند و به عبارتی جو عاطفی حاکم در خانواده است. همان‌طور که اشاره شد پژوهش‌های قبلی (یان، زهو و انصاری (۲۰۱۵)، کومار (۲۰۱۴)، عیسی‌نژاد و ستوده‌زاده (۱۳۹۶)، خانزاده و میرزایی (۱۳۹۶)، رهاوردی و باقیانی مقدم (۱۳۹۴)، سلیمی (۱۳۸۸) و ...) نشان می‌دهد، بین سطح بلوغ عاطفی و جو عاطفی خانواده رابطه معناداری وجود دارد. والدین، اصلی‌ترین الگوهای رفتاری فرزندان به ویژه در دوران کودکی هستند. کودکان از طریق اصل یادگیری مشاهده‌ای در روان‌شناسی تربیتی از نحوه رابطه و برخورد والدین تقلید کرده و به مشکلات عاطفی مختلف واکنش نشان می‌دهند. یافته‌های پژوهش نمازی و سهرابی شگفتی (۱۳۹۷) نشان داد که بین الگوهای ارتباطی خانواده و سازگاری دانش‌آموزان (از مؤلفه‌های بلوغ عاطفی) رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج دیگر پژوهش، جو عاطفی خانواده (رابطه عاطفی مادر- فرزند و رابطه عاطفی پدر- فرزند) بهتر از حمایت اجتماعی ادراک شده بلوغ عاطفی را پیش‌بینی می‌کند در تبیین این یافته باید بگوییم رابطه مثبت والدین با فرزندان، باعث می‌شود تا فرد علاوه بر برطرف کردن

نیازهای عاطفی توسط نزدیک‌ترین افراد زندگی‌اش یعنی والدین، از جانب آن‌ها احساس حمایت کند. بنابراین، رابطه مثبت عاطفی والد-فرزندی، علاوه بر محاسن خاص خود که یادگیری ارتباط صحیح با جامعه و به تبع بلوغ عاطفی بیشتر را در فرزندان موجب می‌شود، باعث می‌شود فرد با درک حمایت از سوی اعضای خانواده، در هنگام مشکلات بتواند راحت‌تر با مسائل و مشکلات سازگاری پیدا کرده و کنترل عاطفی و در نتیجه رشد عاطفی بهتری را تجربه کند. هیمن و زینک و هیس (۲۰۰۸) در پژوهش خود بیان می‌کنند، در خانواده‌هایی منسجم با روابط عاطفی مثبت، اعضای خانواده مشکلات و نگرانی‌های خود را به شکل آزادانه بیان می‌کنند. برای حل مشکلات با یکدیگر گفت و گو می‌کنند و نسبت به مشکلات یکدیگر ناراحت هستند.

یافته‌های دیگر پژوهش حاکی از آن است که در متغیر «بلوغ عاطفی» تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان ناحیه ۱ و ۴ وجود دارد؛ اما در دو متغیر حمایت اجتماعی ادراک شده و جو عاطفی خانواده تفاوت معناداری بین این دو ناحیه وجود نداشت، به علاوه در متغیر حمایت اجتماعی ادراک شده و رابطه عاطفی مادر-فرزند در پاسخگویان رشته‌های مختلف نظری تفاوت معناداری مشاهده شد، اما در متغیر بلوغ عاطفی در پاسخگویان رشته‌های مختلف نظری تفاوت معناداری وجود نداشت. پیرامون این یافته، مطالعه مستندی که قبلاً انجام شده باشد، برای مقایسه یافت نشد. اما به نظر می‌رسد یکی از دلایل تفاوت بلوغ عاطفی در دو ناحیه به اختلاف زیاد در شرایط فرهنگی در این دو ناحیه مرتبط باشد، ناحیه ۱ در منطقه‌ای نسبتاً محروم و دارای فقر فرهنگی واقع شده، ولی ناحیه ۴ در منطقه‌ای است که کودکان معمولاً والدینی با تحصیلات بالاتر و شرایط فرهنگی بهتری دارند که این موضوع می‌تواند در نحوه تعامل و رابطه آن‌ها با فرزندانشان تأثیرگذار بوده و بلوغ عاطفی بیشتری را در آن‌ها موجب شود.

با توجه به اینکه بلوغ عاطفی در مقابله با مشکلات و جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی مانند سازگاری تحصیلی و شغلی تأثیرگذار است و خانواده نقش مهمی در ارتقای این بلوغ در فرزندان ایفا می‌کند، پیشنهاد می‌شود کلاس‌های آموزشی مناسبی به منظور نحوه برخورد صحیح با فرزندان، به ویژه در مناطق محروم‌تر شهر به دلیل مشکلات بیشتر فرهنگی و اقتصادی ایجاد شود. برنامه‌ریزی‌های آموزشی صحیحی برای خانواده، معلمان، مسئولان مدرسه انجام شود، تا

احساس درک حمایت اجتماعی توسط آن‌ها به طور فزاینده‌تری در فرزندان به عمل آید. این تحقیق، علاوه بر دانش‌آموزان دختر، بر روی دانش‌آموزان پسر هم انجام شود و نتایج با هم مقایسه شوند. توصیه می‌شود برای تعمیم بهتر نتایج، این پژوهش در شهرهای دیگر ایران با بافت‌های فرهنگی مختلف و بر روی دانشجویان و زوجین نیز انجام شود.

منابع

- اتکینسون، ریتا. ال. اتکینسون، ریچارد. سی. اسمیت، ادوارد. ای. بم، داریل. ج و هوگسما، سوزان نولن (۱۳۹۷). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*، (مترجمان: براهنی، محمد تقی. بیرشک، بهروز. بیک، مهرداد. زمانی، رضا. شاملو، سعید. شهرآرای، مهناز. کریمی، یوسف. گاهان، نیسان. محی‌الدین، مهدی و هاشمیان، کیانوش) تهران: رشد.
- ایمانی، رویا و محب، نعیمه (۱۳۸۸). رابطه بین بلوغ عاطفی مادران با اختلالات رفتاری فرزندانشان. *زن و مطالعات خانواده*، ۲(۶): ۲۹-۴۹.
- ایمانی، سعید. الخلیل، یاسمین و شکری، امید (۱۳۹۸). بررسی رابطه نگرش‌های ناکارآمد با اضطراب اجتماعی در نوجوانان دانش‌آموز: نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۶(۳۳): ۱-۲۸.
- آخوندی، احمد (۱۳۷۶). *بررسی رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- بیرامی، منصور. موحدی، یزدان و موحدی، معصومه (۱۳۹۳). ارتباط حمایت اجتماعی ادراک شده و احساس تنهایی اجتماعی-عاطفی با اعتیاد به اینترنت در جامعه دانشجویی. *مجله شناخت اجتماعی*، ۳(۲): ۱۰۹-۱۲۲.
- حاتمیان، پیمان و کرمی، جهانگیر (۱۳۹۷). نقش تعدیل‌کننده حمایت اجتماعی در پیش‌بینی گرایش به مصرف روان‌گردان در ارتباط با متغیرهای شناختی در بین پرستاران. *نشریه آموزش پرستاری*، ۷(۱): ۱-۹.
- حافظ‌آبادی، فهیمه و بافتی، فاطمه (۱۳۸۶). *تفاوت بلوغ عاطفی دانشجویان خانم ۱۸-۳۰ سال*. پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- حسام، مسلم. آسایش، حمید. قربانی، مصطفی. شریعتی، علیرضا و نصیری، حسین (۱۳۹۰). ارتباط حمایت اجتماعی ادراک شده با سلامت روان و رضایت از زندگی در دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه‌های دولتی شهر گرگان. *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی*

بویه و گرگان، ۸(۱): ۳۴-۴۱.

حقیقی، جمال. شکرکن، حسین و موسوی شوشتری، مژگان (۱۳۸۱). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری دانش‌آموزان دختر پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز. فصلنامه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳(۹): ۷۹-۱۰۸.

خانزاده، عباسعلی حسین و میرزایی کوتنایی، فرشته (۱۳۹۶). نقش انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند در تبیین حرمت خود دانش‌آموزان. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۳(۱): ۱۱۵-۱۳۶.

دل‌پسند، کامل. ایار، علی. خانی، سعید و پریخان، محمدی (۱۳۹۱). حمایت اجتماعی و جرم: مطالعه‌ی تطبیقی جوانان مجرم و عادی شهر ایلام. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱(۲): ۸۹-۱۲۰.

زالی زاده، مسعود. باقری، معصومه و ملتفت، حسین (۱۳۹۷). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر مدارای اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز). مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹(۲): ۱۲۹-۱۴۶.

رحیمی، رقیه (۱۳۸۷). بررسی روابط ساده و چندگانه سلامت روان با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان های عادی و تیزهوشان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی.

رهاوردی، عصمت و باقیانی مقدم، محمد حسین (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای جو خانواده در ارتباط با سلامت عمومی دانش‌آموزان دختر دبیرستان های شهر یزد. طلوع بهشت، ۱۴(۲): ۱۳۸-۱۴۸.

سالاری، الهه (۱۳۹۴). رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده و انسجام خانواده با اضطراب اجتماعی. پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

سراج خرمی، ناصر. صفرزاده و سحر (۱۳۹۱). مقایسه ویژگی‌های روانشناختی، جو عاطفی خانواده و اندیشه‌پردازی خودکشی بین دختران فراری و عادی شهر اهواز، مجله یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۷(۲۳): ۱۲۹-۱۴۸.

سلیمی، مرجان (۱۳۸۸). بررسی مقایسه‌ای تأثیر الگوهای تربیتی و میزان مذهبی بودن والدین از منظر دانش‌آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۸ تهران بر بلوغ عاطفی این دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء(س).

شهبازیان خونیک، آرش. صمیمی، زبیر و حبیبی کلپیر، رامین (۱۳۹۷). تمایز دانش‌آموزان با

- سرزندگی تحصیلی بالا و پایین بر اساس خوش بینی تحصیلی و جهت گیری هدف. مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۴(۱): ۲۴۷-۲۶۷.
- صبری، مصطفی. البرزی، محبوبه و بهرامی، محمود (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی. فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۹(۲): ۳۵-۶۳.
- عالی پور بیرگانی، سیروس. سحاقی، حکیم و جلو داری، آرش (۱۳۹۴). بررسی رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده و خودکارآمدی تحصیلی با سازگاری اجتماعی در دانشجویان جندی شاپور اهواز. مجله راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی، دور دوم، ۱۲(۱): ۲۶-۳۷.
- عسگری، پرویز. صفرزاده، سحر و قاسمی مفرد، مریم (۱۳۹۰). رابطه جو عاطفی خانواده و جهت گیری مذهبی با گرایش به اعتیاد، فصلنامه مطالعات اسلام و روان شناسی تربیتی، ۸(۵): ۷-۲۶.
- عیسی نژاد، امید و ستوده زاده، محمد (۱۳۹۶). بررسی نقش عملکردهای خانوادگی و هوش اخلاقی در گرایش به بزه نوجوانان. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۳۹(۱۲): ۶۵-۸۱.
- قائدی، غلامحسین و یعقوبی، حمید (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی ادراک شده و ابعاد بهزیستی در دانشجویان دختر و پسر. فصلنامه ارمغان دانش، ۱۳(۲): ۶۹-۸۱
- کوتی، فرزانه، رجبی، غلامرضا و سودانی، منصور (۱۳۸۶). رابطه جو عاطفی خانواده و حمایت اجتماعی با سلامت عمومی در دانش‌آموزان دختر پایه اول مقطع متوسطه شهر اهواز. فصلنامه یافته‌های نو در روان شناسی، ۲(۵): ۴-۱۸.
- محبی نورالدین وند، محمد حسین. مشتاقی، سعید و شهبازی، مسعود (۱۳۹۰). رابطه بین جو عاطفی خانواده با رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجد سلیمان. مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۸(۳۰): ۸۴-۹۳.
- موسوی شوشتری، مژگان (۱۳۷۶). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری فردی-اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- نجم پور استادی، سعید و خدیوی، اسدالله (۱۳۸۷). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با هویت یابی، خودپنداره و عزت نفس نوجوانان و جوانان ۱۷-۲۸ سال شهر اسلامشهر. مجله علوم تربیتی، ۱(۳): ۸۱-۱۰۲.

نصیری، فخرالسادات و عبدالملکی، شوبو (۱۳۹۵). تبیین ارتباط حمایت اجتماعی ادراک شده با کیفیت زندگی با نقش میانجی استرس ادراک شده در زنان سرپرست خانوار شهر سنندج. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۷(۴۶): ۹۹-۱۱۶.

نمازی، فرحناز و سهرابی شگفتی، نادره (۱۳۹۷). نقش واسطه‌گری سازگاری اجتماعی در بین الگوهای خانواده و سلامت روان نوجوانان. *مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۵ (۲۹): ۲۳۷-۲۵۶

نوابی نژاد، شکوه (۱۳۷۷). *رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه‌های پیشگیری و درمان ناهنجاری*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

نودین یزدی، معصومه (۱۳۹۰). *رابطه بلوغ عاطفی والدین و سازگاری اجتماعی فرزندان دختر مقطع متوسطه شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

نیک سیرت، فرشته. خادمی اشکذری، ملوک و هاشمی، زهرا (۱۳۹۵). *رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر*. *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۲ (۴): ۱۵۱-۱۷۴.

Aalipour Birgani, C. Sahagi, H. and Joladari, A. (2015). the relationship between perceived social support and academic self-efficacy with social adjustment in Ahvaz Jundishapur students. *Journal of Developmental Strategies in Medical Education*, 2(1), 26-37 (Text in Persian).

Akhundi, A. (1997). *The study of the relationship between perceived social support and social adjustment of students in Tehran*. Master's Thesis, Tarbiat Modares University, Tehran (Text in Persian).

Asgari, P. Safarzadeh, S. and Ghasemi Mofrad, M. (2011). Relationship between family affective atmosphere and religious orientation with addiction tendency, *Quarterly Journal of Islamic Studies and Educational Psychology*, 8(5), 7-26 (Text in Persian).

Atkinson, R. A. Atkinson, R. Thirty Smith, E.E. Bam, D. G. and Hogsma, S. N. (2018) *The field of psychology of the Hilgard*, (Translated by Brahnei, Mohammad Taghi, Birashk, Behrooz Bik, Mehrdad Zamani, Reza Shamsanlu, Saeed Shahriari, Mahnaz Karimi, Yousef Ghahan, Nissan. Mahyeddin, Mehdi and Hashemian, Kianoush) Tehran: Growth Publishing House.

Bairami, M. Movahedi, Y. and Movahedi, M. (2014) Relationship between Perceived Social Support and Social-Emotional Loneliness with Internet Addiction in Student Society. *Journal of Social Cognition*, 3(2), 109-122 (Text in Persian).

Banduran, A. (1994). Social Cognitive Theory and Mass Communication. In Bryant

- and D. Zilmann (Eds), *Media Effects: Advance in Theory and Research*.
- Bruwer, B. Emsley, R. Kidd, M. Lochner, C. and Seedat, S. (2008) Psychometric properties of the Multidimensional Scale of Perceived Social Support in youth. *Comprehensi Psychiatry*, 49, 195-201.
- Cohen, S. (2004). Social Relationships and Health. *American Psychologist*, 59, 676-684.
- Cook, G. A., Roggman, L. A. and Boyce, L. K. (2011). Fathers' and mothers' cognitiv stimulation in early play with toddlers: Predictors of 5th grade reading and Math. *Family Science*, 2(2), 131-145.
- Delpasnd , K. Ayar, A. Khani, S. and Mohammadi, P. (2012) Social and crime support: An adaptive study of juvenile offenders in Ilam city. *Journal of Social Studies and Research*, 1 (2), 89-120.
- Ghaedi, GH. and Yaqoubi, H. (2008). The study of the relationship between dimensions of perceived social support and dimensions of well-being in male and female students. *Armaghan Danesh Quarterly*, 13(2), 69-81. (Text in Persian).
- Haghighi, J. Sugarcane, H. and Mousavi Shooshtari, M. (2002). Investigating the relationship between emotional atmosphere of the family and the compatibility of third grade elementary school students in Ahvaz secondary schools. *Quarterly Journal of Educational Sciences and Psychology*, Shahid Chamran University Ahvaz, 3(9), 79-108. (Text in Persian).
- Hafez Abadi, F. and Baftati, F. (2007). *The difference in emotional maturity of female students aged 18-30. Bachelor thesis at Sistan and Baluchestan University* (Text in Persian).
- Hatamian, P. and Karami, J. (2018). The role of moderating social support in predicting the trend toward psychosocial use in relation to cognitive variables among nurses. *Nursing Education Journal*, 7(1), 1-9 (Text in Persian).
- Hesam, M. Asayesh, H. Ghorbani, M Shariati, A. and Nasiri, H. (2011). The Relationship between Perceived Social Support with Mental Health and Life Satisfaction in Controlled Students and Students in Governmental Universities of Gorgan, Iran. *Journal of Boya and Gorgan Nursing and Midwifery Faculty*, 8(1), 34-41 (Text in Persian).
- Heiman, T., Zinck, L. and Heath, N. (2008). Parents and youth with learning disabilities perceptions of relationships and communication. *Journal of Learning Disabilities*, 41, 524-534.
- Imani, R. and Mohab, N. (2009). The Relationship Between Mental Maturity and Their Children's Behavioral Disorders. *Woman and family studies*, 2(6), 29-49 (Text in Persian).
- Imani, S. Al-Khalil, Y. and Shokri, O. (2019). Investigation of the relationship

- between ineffective attitudes and social anxiety in student adolescents: the role of mediator of emotional regulation. *Quarterly Journal of Educational Psychology Studies*, 16(33), 1- 28. (Text in Persian).
- Indira Shanti, T. (2016). University support, motivation to learn, emotional adjustment and academic performance, *Asian Journal of Basic and Applied Sciences*, 3(1), 2313-7797.
- Isaynejad, O. and Sotoudeh Zadeh, M. (2017). Investigating the role of family functions and moral intelligence in juvenile delinquency. *Journal of Cultural Education of Women and Family*, 39(12), 65-81. (Text in Persian).
- Khanzadeh, AAH. and Mirzaei Kutani, F. (2017). The role of family cohesion and parent-child interaction in explaining student self-esteem. *New Educational Thoughts*, 13(1), 115-136 (Text in Persian).
- Kouti, F. Rajabi, GR. and Sudani, M. (2007). Relationship between family affective atmosphere and social support with general health in primary school girl students in Ahvaz high school. *Quantum New Findings in Psychology*, 2(5), 4-18 (Text in Persian).
- Kumar, S, (2014). Emotional Maturity of Adolescent Students in Relation to Their Family Relationship. *International Research Journal of Social Sciences*, 3, 6-8.
- Paste, G. and Aminabhaqi, Q. (2006). Impact of emotional maturity on stress and self-confidence of adolescents. *Journal of Indian Academy of Applied Psychology*, 32, 69-75.
- Melissa, H. Bellin, P. Joan, K. Mary, E. B. Mona, T. Laurie, C. and Arlene, M. (2015) stress and quality of life in urban caregivers of children with poorly controlled asthma: a longitudinal analysis. *Journal of Pediatric Health Care*.
- Melissa, K. H. and L. E. Dorothy (2005). Social support as moderator between dating violence victimization and depression/anxiety among african americans and caucasians. *School Psychology Review*, 4, 179-185.
- Mohebbi Nooruddin Wand, M. H. Moshtaghie, S. and Shahbazi, M (2011). Relationship between family emotional atmosphere and social skills development and academic achievement of male and female students of the fourth and fifth grade elementary schools of Masjed Soleyman. *Journal of Research in Curriculum Planning*, 8(30), 84-93. (Text in Persian).
- Mousavi Shooshtari, M. (1997). *Investigating the relationship between family emotional baroque and individual-social adjustment and academic performance of third-level students of Ahwaz secondary schools*. Master's Degree, Shahid Chamran University of Ahvaz (Text in Persian).
- Najjar Pour Ostadi, S. and Khadivi, A. (2008). Investigating the relationship between self-concept and self-esteem of adolescents and youths aged 17-28 in Islamshahr. *Journal of Educational Sciences*, 1(3), 81-102 (Text in Persian).

- Namazi, F. and Sohrabi, N. (2018). The role of mediating social adjustment among family patterns and adolescent mental health. *Journal of Educational Psychology*, 15(29), 237-256 (Text in Persian).
- Nasiri, F. and Abdolmaleki, S. (2016). Explain the relationship between perceived social support and quality of life with the mediating role of perceived stress in female headed households in Sanandaj. *Journal of Applied Sociology*, 27(46), 99-116 (Text in Persian).
- Navabinejad, S. (1998). *Normal and abnormal behaviors of children and adolescents and ways to prevent and treat abnormalities*. Tehran: Publications of the Association of Educators and Educators (Text in Persian).
- Nick Siret, F. Khademi eshkazari, M. and Hashemi, Z. (2016). Parenting Parents' Parenting practices by encouraging student achievement. *Magazine of Modern Thoughts*, 12(4), 151-174 (Text in Persian).
- Nuden Yazdi, M. (2011). *Relationship between parent's emotional maturity and social adjustment of high school girl students in Tehran*. Master's Degree in Educational Psychology, Islamic Azad University, Tehran Branch (Text in Persian).
- Sabri, M. Alborzai, M. and Bahrami, M. (2013). Relationship between family communication patterns, emotional intelligence and emotional creativity in high school students. *Quarterly Journal of Advanced Thoughts*, 9 (2): 35-63 (Text in Persian).
- Salari, E (2015). Relationship between perceived social support and family cohesion with social anxiety. Thesis of Islamic Azad University, Central Tehran Branch, *Faculty of Educational Sciences and Psychology* (Text in Persian).
- Salimi, M. (2009). *Comparative study on the effect of educational patterns and religious level of parents from the perspective of high school girl students in Tehran district 8 on emotional maturity of these students*. Master's thesis, Al-Zahra University (Text in Persian).
- Sarafino, E. P. (2014). *Health Psychology: Biopsychosocial Interactions*. New York: John Wiley.
- Seraj khorrani, N. Safrzadeh and S. (2012). Comparison of psychological characteristics, emotional atmosphere of the family and suicidal ideation between females and normal girls in Ahvaz, *Magazine of New Findings in Psychology*, 7(23), 129-148 (Text in Persian).
- Singh, Y. and Bhargava, M. (1984). *Emotional Maturity Scale*. Agra: National Psychological Corporation.
- Shahbazian Khaniq, A. Samimi, Z. and Habibi Kalibar, R. (2018). Students differentiate between high and low academic vitality based on academic optimism and goal orientation. *Magazine of Modern Thoughts*, 14(1), 247-267 (Text in Persian).

- Show, B. A., N. Krause, L. M. Chatters, C. M. Connell and B. I. Dayton (2004). Emotional support from parents early in life, *aging, and health. Journal of psychology and aging, 19*, 4-12.
- Sbicigo, B. and Dell'Aglio, D. D. (2012). Family environment and psychological adaptation in adolescents. *Academic Journal, 25*(3), 18- 23.
- Swickert, R. J., Hittner, J. B. and Foster, A. (2010). Big five traits interaction predict perceived social support. *Personality and Individual Differences, 48*, 738-741.
- Rahavardi, E. and Bakiyani Moghadam, M.H. (2015). Mediating role of family atmosphere in relation to general health of female high school students in Yazd. *Toluh Paradise, 14*(2), 138-148 (Text in Persian).
- Rahimi, R. (2008). *Investigating the Simple and Multiple Relationships of Mental Health with Emotional Maturity of Secondary and Secondary High School Students in Tehran*. Master's thesis, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University (Text in Persian).
- Reves, M. and Taylor, J. (2007). Specific relationship between core beliefs and personality disorder symptoms in a nonclinical sample, *Clinical Psychology and Psychotherapy, 14*, 96-104.
- Yan, N., Zhou, N. and Ansari, A. (2016). Maternal depression and children's cognitive and socio-emotional development at first grade: the moderating role of classroom emotional climate . *Journal of Child and Family Studies, 25*, 1247. doi:10.1007/s10826-015-0301-9.
- Zimet, G. D., Dahlem, N. W., Zimet, S. G . and Farley, G. K. (1988). The multidimensional scale of perceived social support. *Journal of Personality Assessment, 52*, 30-41.
- White, J., Shelton, K. H. and Elgar, F. J. (2014). prospective associations between the family environment, family cohesion, and psychiatric symptoms among adolescent girls. *Child Psychiatry and Human Development, 45*, 544- 554.
- Zalizadeh, M. Bagheri, M. and Multaft, H. (1397). Investigating Family Factors Affecting Social Tolerance (Case Study: Students of Shahid Chamran University of Ahvaz), *Journal of Applied Sociology, 29*(2), 129-146

**Investigating the Relationship among Emotional
Maturity, Perceived Social Support and the Family
Emotional Atmosphere in High School Students in
Qom**

Reza Jafari Harandi*¹ and Seyede Fatemeh Rajaie Moosavi²

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between emotional maturity, perceived social support and family emotional atmosphere among female high school students. The statistical population of the study included all third grade high school students in Qom, in the academic year of 2016-2017. Out of this population, 357 female students were selected by multi-stage cluster random sampling. The research instruments included family-specific questionnaire (Hill Burn, 1964), perceived social support by Zimm et al. (1988) and emotional maturity scale (Sink and Bahargawa, 1991). The data were analyzed using Pearson correlation coefficient, stepwise regression analysis, and t-test for comparing the means of two independent groups. The findings showed a positive and significant correlation between emotional maturity, perceived social support and emotional atmosphere of the family ($p < 0.01$). Perceived social support and emotional atmosphere of the family could predict emotional maturity. Also the results revealed that only in the emotional maturity variable, there was a significant difference between the students of District 1 and 4, but in other variables, there was no significant difference between the two areas. The overall results of the research showed that the understanding of the positive interactions between parents and children affected the emotional development of most female adolescents. Therefore, it is suggested that effective education be given on the establishment of appropriate

1. *Corresponding Author: Associate Professor, Faculty of Education, Humanities Department, University of Qom, Qom, Iran Email: rjafarih@gmail. com

2. MA in Educational Psychology, Faculty of Education, Humanities Department, University of Qom, Qom, Iran

DOI: 10. 22051/jontoe. 2019. 20580. 2235

<https://jontoe.alzahra.ac.ir>

emotional relationships and the ways in which children can be supported by their parents in order to promote emotional growth and prevent educational problems for their children.

Keywords:

Emotional maturity, Perceived social support, Family emotional atmosphere, , High school students, Qom city

